

یورش جدید جمهوری اسلامی به زنان

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

کشورهایی که در آن قوانین مرتجع اسلامی حاکم است، زنان، زیر این قوانین رژیم‌های دیکتاتوری اسلامی، مانند رژیم جمهوری اسلامی، همواره در معرض تهدید و خطر بیش‌تری قرار دارند و فشارهای گوناگون دیگری نیز مانند پدرسالاری و مردسالاری، زندگی را برای آن‌ها غیرقابل تحمل می‌کند. در این میان معضل و مشکل و درد و رنج زنان خانه‌دار و کارگر، به مراتب بیش‌تر است. نیروی انتظامی، انصار حزب‌الله، خواهران زینب، گروه امر به معروف و نهی از منکر، تیغ‌کش‌های حزب‌الله و آدم‌کشان حرفه‌ای حزب‌الله مانند سعید حنایی، قاتل ۱۹ زن در مشهد، همگی برای کنترل و به اسارت کشیدن زنان بسیج شده‌اند و این دستجات سرکوبگر و ضدزن، علاوه بر این که دستور حمله به زنان را از کانال‌های رسمی اداری و نظامی می‌گیرند، امام جمعه‌ها نیز در تحریک و سازمان‌دهی این دستجات ضدانسانی نقش مهمی ایفا می‌کنند. امام جمعه‌ها، زنانی را که قوانین اسلامی و حجاب اجباری اسلامی را رعایت نمی‌کنند، با رکیک‌ترین کلماتی مورد تحقیر، توهین و تهدید قرار می‌دهند. ستم‌گری جنسی و عدم به رسمیت شناختن هویت مستقل زنان، ریشه در تفکر اسلامی، از قرآن گرفته تا پیامبران، امامان و روحانیون دارد. در این تفکر چیزی جز اهانت و تحقیر به زنان، وجود ندارد. در حاکمیت رژیم‌های قداره‌بند اسلامی، زنان مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ شلاق می‌خورند و سنگسار می‌گردند. در چنین جوامعی زن، در مالکیت مرد قرار دارد و مرد هر گونه رفتار و تسلط بر زن را حق «طبیعی» خود می‌داند. مردان جانی پرورش یافته با تفکر و باورهای ناموس‌پرستانه به اشکال فجیعی زنان را به قتل می‌رسانند. در حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، تجاوز و خشونت و جنایت علیه زنان حد و مرزی ندارد. همه این همه وحشی‌گری علیه زنان، ریشه در ایدئولوژی حاکم و اسلام دارد.

هنوز سه هفته از سرنگونی رژیم پهلوی نگذشته بود که آیت‌الله خمینی، ۱۵ اسفند ماه ۱۳۵۷، طی یک سخن‌رانی خطاب به گروهی از زنان در فیضیه قم، گفت: «خانم‌ها می‌توانند به اداره بروند ولی با حجاب بروند». بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، با کلیه قوانین و دارو دسته‌های مافیای‌اش، ایران را به زندان بزرگی برای زنان تبدیل کرده است.

روز ۱۷ اسفند ۱۳۵۸، روز جهانی زن، تظاهرات وسیع و گسترده زنان، به مناسبت بزرگداشت روز زن

و در اعتراض به سخنان روز قبل خمینی، در مورد رعایت حجاب زنان در ادارات برگزار کردند. گروه‌های مختلف در این روز، در دانشگاه تهران، وزارت دادگستری و دفتر نخست‌وزیری گرد آمدند. از جمله شعارهای تظاهرکنندگان عبارت بودند از:

«روز آزادی زن، نه شرقی است نه غربی، جهانیست»، «در طلوع آزادی جای آزادی خالی»، «آزادی باید نباید ندارد»، «آزادی فرهنگ ماست، خانه ماندن ننگ ماست»، «آزادی، مساوات حق مسلم ماست». در برخی نقاط بین تظاهرکنندگان و گروه‌هایی از حزب‌الله درگیری رخ داد. از جمله شعارهای حزب‌اللهی‌ها چنین بود: «ای زن به تو این‌گونه خطاب است، بهترین زینت زن حفظ حجاب است».

در جلوی دفتر نخست‌وزیری، سپاه پاسداران، با شلیک هوایی به جمعیت تظاهرکنندگان حمله کرد. در این حمله تعدادی زخمی و یا دستگیر شدند.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، سازمان‌دهی سرکوب، جهل و جنایت، خفقان و سانسور را با حمله به حقوق و آزادی‌های زنان آغاز کرد و به تمام بخش‌های دیگر جامعه گسترش داد. دوره‌ای که مهدی بازرگان، نخست‌وزیر بود و به اصطلاح جریان «ملی-مذهبی»‌ها که امروز مورد خشم جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند و رهبران آن نیز اخیراً با پرونده‌سازی‌های غیرواقعی به زندان‌های دراز مدت محکوم گردیده‌اند، در اوایل انقلاب و سال‌های پس از آن در تثبیت جمهوری اسلامی نقش موثری را ایفا کرده‌اند.

از آن تاریخ توحش جمهوری اسلامی، علیه زنان، هم‌چنان ادامه دارد. در روزهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی، موج جدیدی از یورش به زنان را آغاز کرده است. بخش‌نامه‌های مختلفی را نیز برای تهدید و کنترل زنان صادر کرده است. بدین ترتیب زن ستیزی به شکل توحش‌آمیز توسط جمهوری اسلامی در جریان است. در پایین به چند نمونه از توحش جدید جمهوری اسلامی، بر علیه زنان اشاره می‌کنیم.

نبی، مرد اهوازی، شهریور ماه گذشته دختر هفت ساله‌اش را با ظن رابطه با دایی‌اش سر برید اما، پس از معاینه پزشکی قانونی مشخص شد که این دختر باکره بوده است. خواهر نبی گفت: دادگاه بدوی برای نبی، حکم اعدام صادر کرد اما، با نقض این حکم در دیوان عالی کشور، نبی به سه سال حبس محکوم شد. (مجله زنان، شماره ۹۸، سال دوازدهم، فروردین ۱۳۸۲)

تفکر اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی، چنین پدرانی را که تعدادشان نیز متأسفانه کم نیست، جانی بار می‌آورد و اجازه می‌دهد، دست به چنین جنایت هولناکی بزنند. طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی‌شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم می‌شود.

دو قاتل که هفت زن روستایی را در چند منطقه استان مرکزی به قتل رسانده بودند در اعترافات جدید خود گفتند که نه زن را کشتند. فرمانده انتظامی استان مرکزی در گفت و گو با خبرنگاران اعلام کرد: این افراد به نام های ابوطالب _ م، ۳۱ ساله و یزدان _ ک، ۲۹ ساله، در طول یک سال گذشته هفت زن را به قتل رساندند و طلا و زیور آلات آن ها را به سرقت بردند. قربانیان به نام های اکرم _ ع، ۴۵ ساله، معصومه _ ج، ۲۹ ساله، شریاند _ ج، ۲۸ ساله، کوکب _ ک، ۴۸ ساله، فاطمه _ الف، ۳۴ ساله و... بودند که بنا به گفته فرمانده انتظامی استان مرزی، ظاهرا با هدف سرقت وجوه نقد، طلا و زیور آلات به قتل رسیده اند. در خبرهای بعدی اعلام شد که تعداد مقتولان از ۷ نفر به ۹ زن رسیده است. (همان منبع)

سرهنگ اصغری، رییس ستاد مبارزه با مفاسد اجتماعی شهرستان ارومیه، درباره طرح سازمان دهی سرکوب هر چه بیش تر زنان، گفت: این طرح در ۴ مرحله، اطلاع رسانی، تبلیغ، هماهنگی با مقامات فرهنگی و برخورد با متخلفان به صورت آزمایشی اجرا می شود. به گفته وی، طرح مذکور از نظر موقعیت جغرافیایی در مکان های پر رفت و آمد شهر اجرا شده، هر نیرویی که به ماموریت اعزام می شود، بر حسب نوع ماموریت آموزش های لازم را کسب خواهد کرد. اصغری چنین ادامه داد: در این طرح کمیسیون ویژه مبارزه با مفاسد اجتماعی به مبارزه با مظاهر علنی فساد، اراذل و اوباش، مزاحمین نوامیس مردم و... می پردازند.

این فرمانده سرکوب گر رژیم گفت: اکیپ گشت ویژه بانوان نیز به ۳ هزار و ۴۰۰ نفر از زنان، برای رعایت حجاب اسلامی تذکر داده است. وی همچنین از برخورد با صاحبان بیش از یک صد باب مغازه به علت تهیه و توزیع سی دی های غیرمجاز طی ماه گذشته خبر داد. سرهنگ اصغری در پایان با اعلام این که در تابستان امسال طرح محوطه دریاچه ارومیه، جهت برخورد با بدحجابی به اجرا در خواهد آمد، افزود: در زمستان امسال نیز طرح سالم سازی پیست اسکی خوشاکو در ارومیه با موفقیت به پایان رسید.

عصر روز شنبه، به گزارش خبرگزاری ایرنا، در فلکه پزوه، واقع در خوراسگان اصفهان، دایی یک دختر جوان، به او در حالی که در حال قدم زدن با دوست پسرش بود، حمله کرد و در مقابل چشم مردم، با چاقوی آشپزی سر این دختر را برید و او را به قتل رساند.

زنان سعدی و روبنده دار در شیراز، به زنان یورش بردند و زنان به اصطلاح «بدحجاب» را تهدید کردند. زهرا زارع، مدیر مرکز نگهداری دختران فراری، در مصاحبه ای با اعلام این که «پوشش نامناسب

دختران، دهن کجی به اسلام است»، گفت: دختران ایرانی از پوشش حجاب خجالت می‌کشند... مسئولین باید هر چه زودتر اندیشه کنند تا با دخترانی که با لباس تحریک آمیز به خیابان می‌روند و عامل جذب جوانان به خود می‌شوند، برخورد شود.

انجمن اسلامی خواجه نصیر در مورد درگیری نیروهای بسیج جلو خوابگاه قیطریه اطلاعیه‌ای صادر کرد. براساس این اطلاعیه آمده است، دوشنبه شب گذشته یکی از دختران دانش جوی ساکن خوابگاه قیطریه دانشگاه خواجه نصیر هنگام خداحافظی با برادرش که به دیدار او آمده بود جلو در خوابگاه با وی ربوسی کرد که این امر مورد اعتراض یکی از بسیجیان محله قرار گرفت و وی با برادر دختر دانش جو درگیر شد. این اطلاعیه می‌افزاید: بسیجی مذکور پس از گذشت دقایقی به همراه ده نفر دیگر از بسیجیان محل بازگشت و درگیری لفظی شدیدی بین آنان و دختران خوابگاه که از پنجره نظاره می‌کردند، رخ می‌دهد. براساس این اطلاعیه، آن‌ها قصد شکستن شیشه‌های خوابگاه را داشتند که با حضور پلیس ۱۱۰ و گفت‌وگوی برخی از مقامات نیروی انتظامی با دانش جویان، ماجرا به پایان رسید.

اکبر تاجیک‌راد، طراح خانه‌های عفاف (تاسیس مکان‌هایی که به سبک اسلامی، تن‌فروشی زنان زیر کنترل رژیم، سازمان‌دهی شود)، در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری ایلنا، اقرار می‌کند که مقامات رده بالای رژیم، پشتیبان صادرکنندگان دختران ایرانی هستند. وی گفت: مسئولین کشور در حالی در قبال واقعیت‌های اجتماعی سکوت کرده‌اند که شاهد صدور دختران ایرانی از سوی یکی سری آدم‌های سودجو به خارج کشور هستیم و متأسفانه برخی از افراد سودجو از رده‌های بالا نیز مورد پشتیبانی قرار می‌گیرند... مسئولین رده بالا به جای این که جلسه‌های متعددی برای برطرف شدن ریشه‌ای این معضل بگذارند شروع به پاک کردن مسئله می‌کنند.

این مقام جمهوری اسلامی، که طراح خانه‌های عفاف است، تصریح کرد: اگر خانه‌های عفاف اجرا می‌شد با معضل فساد خانه‌به‌خانه مواجه نمی‌شدیم.

تاجیک‌راد، از افزایش ۱۵ درصدی فرار دختران در تهران خبر داد و گفت: هر عملی که بتواند بخشی از فساد را کم کند موفقیت بزرگی محسوب خواهد شد. وی افزود: طرح و اجرای خانه‌های عفاف آمار بزه و صیانت جنسی، زنان خیابانی را می‌تواند سامان‌دهی کند و جلو بعضی از بزه‌های تعریف شده را بگیرد.

تاجیک‌راد، در پایان سخنانش خواهان برخورد شدید با دختران به اصطلاح بد حجاب شد و گفت: دستگاه‌هایی که خود را عوامل این معضلات می‌بینند باید با دخترانی که ظاهر خراب و تحریک

کننده دارند و امنیت جامعه را از بین می‌برند و سبب تحریک جوانان می‌شوند، برخورد کنند. وی اضافه کرد: هر چیزی که سبب تحریک جوان شود باید جرم محسوب شود و اگر مسئولین چاره‌ای نیندیشند جوانان ما در آینده منفجر می‌شوند.

روزنامه اعتماد، روز سه‌شنبه ۶ خرداد ۱۳۸۲ (۲۷ می ۲۰۰۳)، در مطلبی تحت عنوان «مانتوهای کوتاه ممنوع!»، نوشت: گروه ویژه اتحادیه پوشاک تهران هفته گذشته تولید و فروش مانتوی کوتاه و بدن‌نما را ممنوع کرد.

بنا به گفته ابوالقاسم شیرازی، رییس اتحادیه پوشاک با توجه به وجود لباس‌های مبتذلی که در سطح جامعه مشاهده می‌شود، اعم از مانتوهای تنگ، بدن‌نما و کوتاه دستورالعملی از طرف مجامع امور صنفی و اتحادیه‌های ذی‌ربط و اداره نظارت بر اماکن نیروی انتظامی تهران بزرگ صادر شده است. مصوبه قانونی در خصوص مبارزه با این نوع لباس‌ها در تاریخ ۱۸ اسفند سال ۱۳۶۵، توسط مجلس شورای اسلامی و ماده یک آیین‌نامه مصوب ۲۳ خرداد ۱۳۶۸ هیات وزیران اعلام شده است. مصوبه یاد شده به تولیدکنندگان، فروشندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از لباس‌هایی که استفاده از آن در ملاء عام خلاف «شرع و قانون» است، ابلاغ شده است.

بنا به گزارش روزنامه اعتماد، هفته گذشته اطلاعیه‌ای به اعضای مجامع امور صنفی و معاونت اماکن نیروی انتظامی و اتحادیه‌های صنف پوشاک و خیاط تهران در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه سال جاری ارسال شده است، به تولیدکنندگان یک ماه فرصت داده شده که این نوع لباس‌ها جمع‌آوری شود. همچنین به آن‌ها تذکر داده شده در صورتی که تولیدکنندگان و فروشندگان اقدام به جمع‌آوری این نوع لباس‌ها نکنند به دادگاه معرفی و طبق دستور قاضی به جرم آنان رسیدگی خواهد شد.

طبق اخبار سایت‌های اینترنتی، فروش عینک‌های آفتابی، تی‌شرت‌های چسبان و مانتوهایی که بیش‌تر از ۱۵ سانتی‌متر چاک داشته باشند جزو این دستورالعمل قرار گرفته، حتا کار به جایی رسیده است که به فروشندگان توصیه شده به جای اصلاح صورت با تیغ، ته ریش داشته باشند.

خبرهای دیگر حاکی از آن است که با برخی از فروشندگان در پاساژهای قائم و میلاد و گلستان تهران، برخوردهای خشونت‌باری صورت گرفته و کار به پاره کردن مانتوها و آتش زدن آن‌ها کشیده شده است. روز شنبه، در خیابان ولی‌عصر، از یک‌سو با خانم‌هایی که مانتو کوتاه و چاک‌دار پوشیده بودند برخوردهای توهین‌آمیز و زشتی صورت گرفت و از سوی دیگر مغازه‌دارها مجبور شدند که مانتوهای تنگ و چسبان را به انبارهای خود برگردانند.

لازم به یادآوری است که رژیم، در آذر ماه سال گذشته نیز بخشنامه‌ای را صادر کرده بود و طی این بخشنامه، صاحبان رستوران‌ها و به ویژه کافی‌شاپ‌دارها موظف شدند که از نورهای کم‌رنگ نباید در

داخل رستوران و کافه استفاده کنند و فضا باید کاملاً روشن باشد. همچنین تاکید شده بود که خانم‌ها به خصوص جوان‌ها در رستوران‌های مناطق دربند و درکه حق کشیدن سیگار و قلیان ندارند. سردار طلایی، چند ماه پیش در برابر این سؤال که آیا به نظر شما توصیه به کافی‌شاپ‌دارها برای استفاده از لامپ‌های پرنورتر درون کافی‌شاپ‌ها منطقی به نظر می‌رسد، چنین توجیه کرده بود: ما قصد نداریم که مزاحم کسی شویم. شاید توصیه‌های این‌چنین برای ایجاد فضای امن‌تر و مناسب‌تر برای خانواده‌ها و جوان‌ها باشد. وی در برابر سؤال دیگری که آیا در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که بحران اجتماعی و مشکل جنسی در آن طوفان آفریده، با تهدید خبرنگاران گفته بود: من معتقد به وجود مشکل‌های جنسی نیستم. ما مشکل داریم. مشکلات مان هم فراوان است اما دچار مشکل جنسی نیستیم و این حرف‌ها از زبان شما خبرنگارها بعید است.

نخستین گروه از پلیس‌های زن، کار خود را در تهران آغاز کردند. زنان پلیس، هفته گذشته در مقابل پارک ملت، به دختران و زنان در مورد حجاب خود تذکر می‌دادند و برخی از آن‌ها را بازداشت کرده و سوار مینی‌بوس‌های پلیس می‌کردند.

اخیراً عده‌ای با لباس شخصی جوانان را مورد تهدید و آزار قرار می‌دانند، در خیابان‌های تهران جلب توجه می‌کرد. بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، گشت‌هایی با نام ارشاد مدتی است که در خیابان‌های تهران تردد می‌کنند. این گشت‌ها وابسته به نیروی انتظامی است گویا وظیفه ارشاد و راهنمایی جوانان را بر عهده دارند. سرهنگ صدوقی مدیرکل مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی «ناجا» نیز در گفت‌وگویی با خبرگزاری کار ایران، وابستگی این گشت‌ها به نیروی انتظامی را تایید کرد.

برخی پژوهش‌ها و تحقیقات در ایران حاکی از آن است که جوانان در این کشور، به دلیل خفقان و سانسور، مشکلات اقتصادی، تبعیض‌ها و تحقیرها دچار آسیب‌های اجتماعی و بحران جنسی هستند. ۴۲ درصد جوانان اظهار می‌کنند که برای درگیری با مشکلات زندگی توانایی ندارند. ۴۷ درصد در برخورد با شکست، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و ۳۳ درصد آنان در برخورد با مشکلات به گریه و زاری روی می‌آورند. ۲۱/۵ درصد جوانان می‌گویند از زندگی شخصی خود رضایت دارند. ۴۲/۲ درصد می‌گویند برای درگیری با مشکلات زندگی توانایی ندارند. ۲۳/۹ درصد معتقدند که شور و شوق برای زندگی در حد بالایی نیست. ۲۵ درصد هم برایشان مهم نیست که چه بر سرشان بیاید.

آمارهای اطلاعاتی دیگری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد، ۴۳/۸ درصد از جوانان برایشان مشکل

است حواس‌شان را روی یک کار متمرکز کنند. ۶۱/۶ درصد می‌گویند گاهی در قلب‌مان احساس فشار و درد می‌کنیم. ۴۲/۳ درصد می‌گویند فکر می‌کنیم خطراتی در زندگی هست که دیر یا زود به سراغ من خواهد آمد و من در مورد آن‌ها هیچ کاری نمی‌توانم بکنم. ۵۵/۲ درصد آن‌ها معتقدند که درباره آینده نگرانی‌های مهم و عمیقی دارند. ۵۱ درصد از جوانان دچار معضل روانی اضطراب هستند. خشم نهفته در ۵۵ درصد از جوانان وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز خصوصیات پرخاشگر، منفعل، سرکش و در انتظار کشیدن برای ضربه زدن به مخالفان باشند. ۲۸ درصد از جوانان برای خواسته‌ها و منافع دیگران اهمیت قایل نیستند. ۵۴/۶ درصد آن‌ها می‌گویند وقتی دیگران قدر خوبی را نمی‌دانند چه لزومی دارد به آنان خوبی کنیم. ۳۰/۳ درصد معتقدند که جواب بدی را با بدی باید داد.

۴۸/۷ درصد از جوانان دوست دارند مثل کسی که پرواز می‌کند، سوار موتورسیکلت شوند. ۳۰/۱ درصد می‌گویند در میهمانی‌ها خودم را رها می‌کنم و خوش می‌گذرانم و بالاخره ۷۰/۸ درصد از آن‌ها معتقدند از این که وقتی کاری می‌کنم دیگران به من نگاه کنند خوشم نمی‌آید. (آمارها از روزنامه اعتماد، ۶ خرداد ۱۳۸۲)

ستم بر زنان در کنار ستم طبقاتی، به شیوه غیرانسانی و ناعادلانه به اندازه تاریخ بشر قدمت دارد. همچنین مبارزه زنان در جهت آزادی و برابری واقعی با مردان، با جنبش کارگری سوسیالیستی گره خورده است. بنابراین مبارزه برای رهایی زن، نه تنها جدا از مبارزه طبقاتی کارگران و کمونیست‌ها نیست، بلکه حضور و تلاش دایمی در این عرصه یک ضرورت جدی در جهت رهایی از یوغ و ستم سیستم سرمایه‌داری است. علاوه بر این یکی از ویژگی‌های جنبش کارگری سوسیالیستی، حضور برابر زن و مرد در همه سطوح سیاسی، اجتماعی و تشکیلاتی است.

اصولا در کشورهای متمدن و پیشرفته چنین پژوهش‌ها اقدامات پیشگیرانه و حل معضل را به دنبال دارد. در حالی که در جمهوری اسلامی، دردها بیان می‌شود، اما هیچ ارگان و نهاد رسمی و کل رژیم، حتا برای کم کردن آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی کم‌ترین واکنشی، به غیر از سرکوب نیازها و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و به ویژه جوانان، از خود نشان نمی‌دهند. بنابراین این وضعیت باعث شده است که جوانان در معرض انواع و اقسام آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی مانند خودکشی، بیماری‌های روحی و روانی، اعتیاد، دزدی، تن‌فروشی و غیره قرار گیرند. هنگامی می‌توان جلو رشد و گسترش این آسیب‌های اجتماعی گرفت که حکومت نیازهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را با دخالت و مشارکت مستقیم مردم، تضمین کند و برابری اقتصادی، آزادی و عدالت اجتماعی را سازمان دهد. همچنین به آزادهای فردی و اجتماعی احترام بگذارد و حرمت و شخصیت

انسان زیر سؤال نبرد، امری که در حاکمیت جمهوری اسلامی محال است.

برابری کامل حقوق زن و مرد و لغو قوانین تبعیض آمیز، لغو کامل جداسازی ها، برخورداری زنان از امکانات برابر در همه شئونات زندگی فردی و اجتماعی، لغو حجاب اجباری و آزادی پوشش، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اولین اقدامات در جهت رهایی واقعی و کامل زن و زور و ستم جنسی است.

منشا ستم بر زنان در ایران، افکار خرافی مذهبی و سیستم سرمایه داری جمهوری اسلامی است و فقط با قدرت و مبارزه زنان نمی توان این رژیم جنایت کار و ضد زن و ضد آزادی را بر انداخت. این کار نیازمند مبارزه طبقه کارگر، زنان و مردان برابری طلب و آزادی خواه و همچنین مردم محروم و ستم دیده برای برانداختن جمهوری اسلامی و برپایی سوسیالیسم است.

۲۸ می ۲۰۰۳